



دوران تبعید امام خمینی(ره) در ترکیه چگونه گذشت؟

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به علل و عوامل متعددی وابسته بود. اما سه علت اصلی که مورد تأکید محققان است، در این زمینه بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به علل و عوامل متعددی وابسته بود. اما سه علت اصلی که مورد تأکید محققان است، در این زمینه بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. نخست باورهای دینی و اعتقادات اسلامی مردم ایران، دوم وحدت مردم و مبارزات سیاسی آن‌ها، و سوم رهبری قاطع و بی‌نظیر امام خمینی(ره). این سه عامل پس از آن‌که در کنار یکدیگر قرار گرفتند و یک مثلث را تشکیل دادند، به نیروی قدرتمندی تبدیل شدند که رژیم پهلوی را سرنگون ساخت. بررسی جنبه‌های متفاوت این سه عامل، ماهیت واقعی و عناصر تشکیل دهنده جنبش اسلامی مردم ایران را روشن خواهد ساخت.

از میان سه عامل فوق رهبری امام خمینی(ره) تأثیر فوق العاده‌ای در به ثمر رسیدن مبارزات مردم مسلمان ایران، علیه دستگاه پهلوی ایفا کرد. فاصله‌ی زمانی 13 آبان 1343 تا خروج امام از ترکیه، یکی از فصول مهم تاریخ نهضت اسلامی به حساب می‌آید. بنابراین، در این مقاله سعی شده است، دوران تبعید امام در ترکیه مورد بررسی قرار بگیرد.

تصویب کاپیتولاسیون

«کاپیتولاسیون به قراردادهایی اطلاق می‌شود که به موجب آن‌ها، شهروندان یک دولت در قلمرو دولت دیگر، از نظر امور حقوقی و کیفری تابع قانون‌های کشور خود هستند و آن قانون‌ها را کنسول آن دولت در محل اجرا می‌کند. از این رو، آن را در فارسی حق قضاوت کنسولی نیز گفته‌اند» [آشوری، 1380: 276]. وزارت دفاع آمریکا مدت‌ها بود که ایران را برای بستن چنین قراردادی تحت فشار گذاشته بود.

آیت الله محمد علی گرامی می‌گوید: «فرزند یکی از علمای ادیب قم (شیخ جواد عراقی) که از کارمندان مجلس شورای ملی به حساب می‌آمد، اخبار تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون را به حضرت امام داده بود. آیت الله مسعودی خمینی می‌گوید: «من یقین دارم که اخبار مربوط به کاپیتولاسیون را برادر کوچک امام، سید نور الدین هندی، به ایشان گفته است. سید نور الدین که از سران و رجال سیاسی بود و با سناتورها و رجال سیاسی تماس داشت، چنین اخباری را از طریق آیت الله پسندیده به امام رسانده است» [فدائی، 1379: 163].

آقای هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود می‌گوید: «با خبر شدیم که در مجلس رژیم لایحه‌ای در مسیر تصویب است که در آن به مستشاران آمریکایی امتیازاتی داده می‌شود. در پی‌گیری این خبر، زمینه‌ی جدیدی فراهم شد برای مبارزه‌ی امام. امام چند نفری را مأمور تحقیق در مورد جزئیات این خبر کرد که یکی از آن‌ها من بودم. آقای بهبهانی از طریق یکی از نمایندگان مجلس سنا، متن لایحه و اسناد مربوط را به دست آورده و به من داد.»

آیت الله پسندیده می‌گوید: «جریان تبعید امام به ترکیه در سال 1343 با جریان لایحه‌ی مصونیت آمریکایی‌ها تحت عنوان کاپیتولاسیون که در دولت تصویب شد و بعد لایحه‌ی آن را محرمانه به مجلس دادند و در مجلس شورای ملی و مجلس سنا تصویب کردند، آغاز شد» [پسندیده، 1384: 239].

(به تصویر صفحه مراجعه شود) البته باید توجه داشت که تصویب کاپیتولاسیون محرمانه نبود و مشروح مذاکرات آن در روزنامه‌ی رسمی که متن کامل جلسات علنی مجلس را درج می‌کرد، چاپ شده بود. اما تیراژ این نشریه محدود و جواب‌گوی نیاز متقاضیان نبود.

محمد حسن رجبی در کتاب خود می‌نویسد: «امام چند روز پس از تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون برای نظامیان آمریکایی در مجلس شورای ملی (21 مهر 1343) از ماجرا اطلاع یافت؛ البته توسط یکی از کارکنان مجلس که دوست امام بود. امام با مطالعه‌ی متن صورت مذاکرات مجلس از جزئیات آن آگاه شد. ایشان بلافاصله مراجع و علمای قم را به تشکیل جلسه‌ی هفتگی فراخواند و با ارسال پیام، علمای سایر شهرها را در جریان امر قرار داد» [رجبی، 1378: 331].

سپس امام اعلام کرد که در 4 آبان، مصادف با 20 جمادی الثانی، در منزل خود سخنرانی خواهد کرد. رژیم پیکری به قم فرستاد تا با امام خمینی دیدار کند و ایشان را از تصمیم خود منصرف کند، ولی امام حاضر به دیدار نشد و به ناچار با فرزند امام، حاج مصطفی ملاقات کرد و به او گفت که می‌خواهد صحبت کند، مواظب باشد علیه آمریکا سخن نگوید و هرچه بگوید چندان مهم نیست (حتی حمله به شخص شاه).

بنابراین، تصویب کاپیتولاسیون در 21 مهرماه 1343 بود و سخنرانی امام در چهارم آبان که مصادف با ولادت حضرت فاطمه (س) انجام گرفت. «بنا به گفته‌ی افراد، امام در این مدت با حالت نگران در درس حاضر می‌شد» [فدائی، 1379: 163].

محل سخنرانی امام در خانه‌ی خودشان بود، علت آن را آیت الله طاهری خرم‌آبادی این‌گونه بیان می‌کند: «امام تصمیم گرفتند که روز میلاد حضرت زهرا (س) صحبت کنند و این صحبت هم قرار بود که در منزل انجام بگیرد. دلیلش را من الان نمی‌دانم، شاید از نظر جنبه‌های امنیتی بوده است. اگر امام می‌خواست سر درس صحبت کند، جمعیت زیادی جمع نمی‌شدند و جمعیت منحصر می‌شد به طلبه‌هایی که در درس امام شرکت می‌کردند. در حالی که امام می‌خواست همه در این سخنرانی شرکت کنند. اگر امام می‌خواست این سخنرانی را در مسجد اعظم ایراد کند، شاید دولت ممانعت می‌کرد. به نظر می‌رسد که امام در مورد محل و

زمان سخنرانی بهترین انتخاب را کرد. روز تولد شاه بهترین زمان بود، زیرا رژیم می‌کوشید با برگزاری جشن چهارم آبان ماه این توطئه را به دست فراموشی بسپارد، اما امام سخنرانی خود را در همان روز اعلام کرد» [طاهری خرم‌آبادی، 1377: 312-311]. امام سخنرانی خود را با نام خدا و آیهی «استرجاع» شروع کرد که نشان‌دهنده‌ی وارد شدن مصیبت بزرگی بر اسلام و مسلمین بود. تأثیر قلبی خود را از این مصیبت بیان و اعلام عزای عمومی کرد. سپس به شرح لایحه‌ی کاپیتولاسیون پرداخت و نتایج سیاسی-اجتماعی آن را بیان داشت. همچنین در مورد بدبختی مردم و قروض خارجی دولت و وابستگی به آمریکا سخن گفت. «پس از این سخنرانی، امام اعلامیه‌ای منتشر کرد و اقدام دولت و مجلس را در تصویب کاپیتولاسیون محکوم نمود و آن را سند بردگی ملت ایران، اقرار به مستعمره بودن ایران و ننگین‌ترین و موهن‌ترین تصویب نامه‌ی غلط دولت‌های بی‌حیثیت نامید» [امام خمینی، 1361: ج 1، ص 145-139].

شهید محلاتی در خاطرات خود می‌گوید: «پس از این سخنرانی خدمت امام رفتیم. ایشان فرمود: راحت شدم. من تکلیفم را انجام دادم، حالا هرچه می‌خواهد پیش آید. آن‌چه مهم است، انجام وظیفه است و عمل به تکلیف شرعی.» «در اسناد ساواک سندی است که در آن، امام به مراجع نجف پیغام‌هایی فرستاده و آنان را در جریان مسائل ایران و تصویب لایحه‌ی مصونیت مستشاران آمریکایی قرار داده بود. هم چنین، براساس سند ساواک، نوار سخنرانی امام از رادیو بغداد نیز پخش شده است.» [سیر مبارزات...، 1386، ج 4: 92].

اعلامیه و سخنرانی امام بازتاب‌های متفاوتی داشت: برخی از علما اقدام مجلس را شرح دادند و عواقب آن را اعلام کردند که ساواک آن‌ها را بلافاصله دستگیر کرد. همچنین، جمعی از علمای قم، از جمله آقایان شریعتمداری، حائری، سید صادق، سید ابو القاسم روحانی و زاهدی، در این خصوص با ایراد سخنرانی، واگذاری این امتیاز سیاسی به دولت بیگانه را محکوم کردند. مهم این بود که باوجود هشدار امام در مورد کاپیتولاسیون، تا نه روز پس از سخنرانی ایشان، هیچ‌یک از مراجع و علمای بزرگ ایران و عراق اعلامیه‌ای در محکومیت کاپیتولاسیون و حمایت از ایشان صادر نکردند. این سکوت علما و مراجع نشان‌دهنده‌ی این بود که آن‌ها تمایلی به درگیری و رویارویی با رژیم شاه ندارند. زیرا دولت جدید شعار سازش و تفاهم با روحانیت را به کار برده بود. دیگر این‌که شاید عواقب کاپیتولاسیون و بعد ضد دینی و ملی آن (برخلاف انجمن‌های ایالتی و ولایتی)، برای علما و مردم روشن نبود. لذا چندان واکنشی نشان ندادند.

به هر روی، امام پس از سکوت و بی‌تفاوتی اکثر قریب به اتفاق مراجع و علما، دریافت که کوله‌بار مبارزه با رژیم را خود باید یک تنه بر دوش بکشد. همچنین، با گفته شود که دولت آمریکا بلافاصله پس از تصویب کاپیتولاسیون، 200 میلیون دلار وام برای خرید اسلحه و تجهیزات از آمریکا به ایران داد.

بعد از سخنرانی امام این بار رژیم تصمیم گرفت او را به ترکیه تبعید کند. هدف رژیم از تبعید امام عبارت بود از: 1. جدایی میان رهبری و مردم، 2. تضعیف روحیه‌ی رهبری، 3. فراموش شدن رهبر، (به تصویر صفحه مراجعه شود) 4. شکست نهضت اسلامی. «علت‌های انتخاب کشور ترکیه به عنوان محل تبعید عبارت بود از: غیر مذهبی و لائیک بودن کشور ترکیه، منافع مشترک ایران و ترکیه و دیگر اعمال نفوذ آمریکا در هردو کشور» [فلاحی، 1385: 115].

در خصوص نقش و دخالت دولت آمریکا در تبعید امام سندی وجود دارد که خرسندی یکی از اعضای سفارت آمریکا را نشان می‌دهد. در نامه‌ای از استوارت راکول، وزیرمختار و رایزن سفارت آمریکا، دو روز پس از تبعید امام، به فردی به نام جیمز آمده است: «وقایع اخیر که شما از گزارش رسمی به ماوقع آگاه خواهید شد، دل مرا خوش کرده است. بالاخره ما توانستیم از سوءرفتار پیرمردی که با سخن خود چوب درمیان چرخ‌های ما می‌گذاشت، خلاص شویم. کله گنده‌ی محلی (شاه) دستور اخراج او را صادر کرد. در حال حاضر وی در یک مهمان‌خانه‌ی درجه‌ی دو در ترکیه زندگی می‌کند و می‌کوشد تا سنی‌های بیچاره را اغوا کند» [سیر مبارزات...، 1386، ج 4: 105].

چگونگی تبعید امام به ترکیه

«شب 13 آبان 1343، صدها کماندو و چتر باز مسلح، خانه‌ی امام را در قم محاصره کردند و از بام و دیوار وارد خانه‌ی امام شدند. برای پیدا کردن امام به جست‌وجو و ضرب و شتم خادم امام پرداختند. امام که در آن ساعت در یکی از اتاق‌های اندرونی به نماز و دعا مشغول بود، با سروصدای به وجود آمده فهمید که سربازهای رژیم به منزل یورش برده‌اند. امام که در آن لحظه نمی‌دانست کلید اندرونی را کجا گذاشته است، از در دیگر اندرونی که به کوچه باز می‌شد، خارج شد. وقت بیرون رفتن مهر و امضای خود را به رسم امانت به همسرش داد و فرمود: شما را به خدا می‌سپارم.

امام را از خانه سوار ماشین فولکس و سپس سر کوچه سوار ماشین شورلت کردند و به سمت تهران بردند. بین راه قم به تهران، حضرت امام اعلام می‌کند که می‌خواهد نماز بخواند. بنابراین نماز صبح را در صحرا خواندند. هنوز آفتاب روز 13 آبان 1343 از افق بیرون نیامده بود که امام سوار هواپیما شد. سرهنگ افضلی نیز همراه امام بود و هواپیما ساعت 11/30 دقیقه در فرودگاه آنکارا به زمین نشست. امام خمینی هنگام تبعید به ترکیه به افسر مأمور در هواپیما گفت: من برای دفاع از وطنم تبعید شدم» [روحانی، 1381: 792].

در هواپیما یکی از خدمتکاران برای امام چای آورد که امام بعد از مطمئن شدن از مسلمان بودن او، چای را نوشید. سپس به پیشنهاد سرهنگ افضلی، برای دیدن قسمت‌های متفاوت هواپیما و کابین خلبان رفتند و تا فرودگاه آنکارا، امام در کابین خلبان نشست. امام از وسایل و لوازم هواپیما دیدن کرد و درباره‌ی دستگاه‌های مربوطه و نحوه‌ی عمل آن‌ها پرسید. این برخورد و رفتار امام مربوط به روحیه‌ی انقلابی و از خصایل ارزنده‌ی رهبری بود و رمز موفقیت ایشان در ادامه‌ی نهضت نیز در همین نکته نهفته است.

حاج آقا مصطفی خمینی، فرزند بزرگ امام، هنگام دستگیری امام برای مذاکره با مراجع روانه‌ی منزل آن‌ها شده بود. در منزل آیت الله مرعشی نجفی، مأمورین ساواک از دیوار بالا آمدند و ایشان را دستگیر کردند و از شهربانی قم به زندان قزل‌قلعه تحویل دادند. وی 57 روز زندانی بود و پس از آن در 8 دی 1343 از زندان آزاد شد. برای بار دوم به او اعلام کردند به ترکیه برود و با پدرش ملاقات کند. هدف آن‌ها این بود که حاج آقا مصطفی در ایران نباشد و به بهانه‌ی ملاقات با پدر، او را هم تبعید کنند. بنابراین حاج مصطفی خمینی را دستگیر و به ترکیه فرستادند. یورش ناگهانی ساواکی‌ها به منزل امام برای دستگیری حاج مصطفی سبب ترس و وحشت همسر او شد که با سقط جنین و کسالت همراه بود.

امام در ترکیه

«بعد از ورود امام به ترکیه، مأموران امنیتی دولت ترکیه امام را از فرودگاه به هتل بلوار پالاس، طبقه‌ی چهارم، اتاق شماره‌ی 514 که قبلاً آماده کرده بودند، بردند. چون هتل محل اقامت امام در مرکز شهر بود و خبرنگاران داخلی و خارجی کنجکاو شده بودند، مأموران امام را به یکی از ساختمان‌های فرعی خیابان آتاتورک منتقل کردند. امام بعد از ورود به ترکیه به آموختن زبان ترکی پرداخت. توجه و کوشش او برای یادگیری زبان ترکی به حدی بود که سرهنگ افضلی را به وحشت انداخت که مبادا با آموختن زبان بتواند با مردم ترک ارتباط برقرار کند و مبارزه را در تبعیدگاه ادامه دهد. از این‌رو در گزارشی به تهران نوشت: «نباید وی را تنها گذاشت» [روحانی، 1381: 792].

رژیم‌های ترکیه و ایران، از امام وحشت داشتند، و مرتب محل اقامت او را تغییر می‌دادند. حتی مقامات ساواک به مأمورین ترکیه اعتماد نکردند و خود نیز برای او مأمور ویژه گماشتند. نگرانی مقامات ایران و ترکیه زمانی بیشتر شد که دیدند، امام خمینی حاضر نیست در محل تبعید به صورت زندانی باشد و مرتب پیشنهاد بیرون رفتن و بازدید از خیابان‌ها و مراکز دیدنی شهر را می‌دهد. روز 16 آبان، امام حدود 40 دقیقه با اتومبیل از شهر آنکارا دیدن کرد. او می‌خواست دوران تبعید را بدون نتیجه از دست ندهد و در مورد افراد کشور ترکیه تجربه کسب کند. حتی بر مزار 40 تن از عالمان شهید که به دست آتاتورک کشته شده بودند، حضور یافت. ساواک از (به تصویر صفحه مراجعه شود) بازدید امام از نقاط متفاوت شهر جلوگیری کرد و حتی به بهانه‌ی این‌که پوشیدن لباس روحانیون ایران در ترکیه ممنوع است، علی‌رغم مخالفت امام، مأموران امام را از پوشیدن لباس خود منع کردند و او را مجبور کردند که لباس روحانیون ترکیه را بر تن کند. البته زمانی که علمایی از ایران برای دیدن امام به ترکیه می‌رفتند، به امام اجازه می‌دادند و لباس خود را بر تن کند. به امام اجازه می‌دادند که لباس خود را بر تن کند. این رفتار نه تنها نتوانست روح امام را درهم بشکند، بلکه باعث بردباری و ایستادگی و مقاومت امام خمینی شد.

سپس در 21 آبان امام به شهر «بورسا» در 460 کیلومتری غرب آنکارا و در کنار دریای مرمره منتقل کردند. علت فرستادن ایشان به بورسا این بود که پخش خبر تبعید از رادیو و انعکاس آن بین مردم، باعث وحشت مقامات ترکیه شده بود و می‌خواستند تا به این وسیله از ارتباط مردم ترکیه با امام جلوگیری کنند. در این مدت اهداف مأمورین هردو کشور این بود که: 1. موضوع تبعید امام به ترکیه و محل اقامت ایشان مخفی بماند؛ 2. از ارتباط امام با مردم ترکیه جلوگیری شود؛ 3. با ایجاد محدودیت برای امام، ایشان را تحت فشارهای روحی قرار دهند. اما روحیه‌ی امام در دوران تبعید بسیار عالی بوده است: «مأمورین ساواک در گزارش‌های خود اعلام کردند: روحیه‌ی شخص مورد نظر نسبت به روز اول بهتر است. در محل جدید برنامه‌ی روزانه‌اش بیشتر استراحت، تلاوت قرآن، ادای نماز و صرف غذاست. گاه‌گاهی هم کلمات ترکی را یادداشت می‌کند» [فلاحی، 1385: 73].

امام بعد از رسیدن به ترکیه تلگرافی به حاج مصطفی خمینی زد و در این تلگراف، سلامتی خود را به خانواده خبر داد و او را سفارش به احترام به مادر، خواهر، برادران و بستگان کرد. هم‌چنین خواست که وسایل شخصی‌اش را بفرستد؛ از جمله کتاب‌هایی مثل مفاتیح، صحیفه‌ی سجاده، مکاسب و حواشی. امام به خانواده‌اش توصیه می‌کند که به ترکیه نیایند، زیرا رژیم می‌خواست با آوردن خانواده‌ی امام به ترکیه، او را برای همیشه از ملت و کشورش دور کند. حتی امام سفارش می‌کند که شهریه‌ها را بپردازند. نگرانی امام در مورد سوخت زمستانی فقرا نیز قابل توجه است.

باید توجه داشت که امام قرآن نخواست، زیرا قرآن به همراه خود داشت. چنان‌چه از درخواست‌های امام مشخص است، کتاب مفاتیح و صحیفه‌ی سجاده می‌خواست؛ زیرا به اسلام با تمام ابعادش اعتقاد داشت. او در صحنه‌ی سیاست، مرد سیاست و در میدان رزم مرد جنگ و در مسجد مرد عبادت بود. امام مانند عالمان بزرگ همواره با کتب دعا انس داشت. انگیزه‌ی امام از درخواست کتب فقهی و پافشاری روی آن‌ها مبتنی بر رسالتی بود که در جهت تحول و دگرگونی رساله‌های عملیه و خط فکری حوزه‌های علمیه در تدوین و نگارش رساله بر دوش داشت و به انجام آن اهمیت می‌داد. ایشان دوران تبعید را بهترین زمان برای انجام این مهم می‌دانست. امام خمینی از ترکیه وکالت‌نامه‌ای برای حاج مصطفی خمینی فرستاد که بیان‌کننده‌ی اعتماد و اطمینان او به فرزندش بود. امام با این کار از ایجاد تزلزل در مجامع روحانی پیشگیری کرد. این نیز نوعی مبارزه در تبعیدگاه بود.

بازتاب تبعید امام در داخل کشور

«رژیم پهلوی پس از تبعید امام خمینی، از آن‌جا که از تکرار قیام 15 خرداد و واکنش خشونت‌بار ملت مسلمان ایران در برابر تبعید امام وحشت داشت، بی‌درنگ به نیروهای نظامی و انتظامی به منظور سرکوبی هرگونه حرکت مخالف، فرمان آماده باش داد. رییس ساواک، تیمسار پاکروان، طی تلگراف رمزی به کلیه‌ی شعبه‌های ساواک در سراسر کشور دستور داد، مراقبت کامل داشته باشند. از هر تحرک و مخالفتی جلوگیری کنند و هرگونه رویدادی را فوراً به مرکز گزارش دهند» 13 [روحانی، 1381: 792].

برخی مبارزات داخل کشور عبارت بودند از:

«1. فعالیت حاج آقا مصطفی خمینی علیه رژیم پهلوی (قبل از تبعید به ترکیه).

2. فعالیت‌های علمای تراز اول. اولین فرد بین علما، آیت الله میلانی بود که سکوت حاکم بر فضای حوزه‌های علمیه را شکست.
 3. واکنش بازار. بازاریان که پیوندهای دیرینه‌ای با روحانیت دارند؛ در حرکت اصلاحی و انقلاب در ایران از زمان مشروطیت نقش مؤثری بر عهده داشتند و در نهضت امام خمینی یکی از ارکان مبارزه بودند. زیرا تعطیلی بازار، هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ تبلیغی، برای رژیم گران تمام می‌شد.
 4. بهره‌گیری از مراسم و شعائر مذهبی (مثل دعای ندبه، دعای توسل و...) که در این مراسم‌ها از امام خمینی یاد می‌شد.
 5. تعطیلی نماز جماعت توسط روحانیون.
 6. نوشتن و چاپ و تکثیر اعلامیه علیه رژیم پهلوی.
 7. تهیه‌ی طومارهایی که برای دولت و سفارت ترکیه ارسال می‌شدند تا آن‌ها تحت فشار قرار گیرند و به تبعید امام خمینی پایان دهند.
 8. برگزاری میتینگ. یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین این تجمعات، میتینگ مسجد سید عزیز الله بود که در 21 آذر 1343 به کوشش جمعیت مؤتلفه برگزار شد. این اجتماع بزرگ‌ترین گردهمایی و اجتماع بعد از تبعید امام خمینی بود.
 9. سرودن شعر، چاپ کتاب کشف الاسرار، چاپ و توزیع توضیح المسائل امام خمینی و پخش کارت تبریک منقوش به عکس امام.
 10. مراجعه‌ی علما و طلبه‌های حوزه‌ی علمیه قم به علمای تراز اول و تحت فشار قرار دادن آن‌ها تا برای آزادی امام اقداماتی انجام دهند.
 11. حرکت‌های مسلحانه. مهم‌ترین اقدام هیئت‌های مؤتلف، ترور [اعدام انقلابی] حسنعلی منصور بود. منصور بانی تصویب کاپیتولاسیون و تبعید امام محسوب می‌شد که توسط محمد بخارایی ترور شد [فلاحی، 1385: 115].
- بازتاب تبعید امام در خارج از کشور
- تبعید امام بازتاب گسترده‌ای در سطح جهان داشت. خبرگزاری‌ها و رسانه‌های گروهی، احزاب و شخصیت‌های بین‌المللی، هریک طبق خط و برنامه‌ریزی خود از آن برداشت کردند و تفسیرهای متفاوتی ارائه دادند. مطبوعات وابسته به غرب تا آن جا که توانستند علیه امام سخن می‌گفتند، درحالی‌که مطبوعات وابسته به بلوک شرق از آن‌جا که امام حرکت قهر آمیزی را علیه آمریکا و احیای کاپیتولاسیون آغاز کرده بود، تا حدی جانب حق را رعایت کردند.
- دانشجویان ایرانی خارج از کشور نیز با تهیه‌ی طومار و فرستادن آن به سفارت ترکیه، موضوع تبعید امام را پی‌گیری می‌کردند.
- دیدار نمایندگان علمای تهران با امام
- بعد از تبعید امام به ترکیه، علمای تراز اول قم و تهران به این نتیجه رسیدند که از محل تبعید امام اطلاعاتی کسب کنند و وسایل آسایش را تا آن‌جا که ممکن است، برای امام فراهم کنند. بنابراین روز پنجشنبه 21 آبان 1343، آقایان حاج میرزا احمد آشتیانی، حاج سید احمد خوانساری، و وزیر دربار، آقای قدس نخعی بنا به دعوت آقایان در این نشست شرکت کرد. علما اعلام کردند که آقای پسندیده (برادر امام) به ترکیه برود و از وضعیت امام اطلاعاتی کسب کند.
- وزیر دربار گفت که پس از گفت‌وگو با مقامات بالاتر نتیجه به حضور آقایان ابلاغ خواهد شد. این سیاست علمای تهران تا حدودی موافق نظر شاه نیز بود، زیرا این کار باعث می‌شد، موجبات آرامش خاطر و رفع نگرانی ملت ایران فراهم شود. رژیم با پیشنهاد علما موافقت کرد، ولی آقای پسندیده را مناسب این کار نمی‌دانست؛ زیرا ممکن بود امام به وسیله‌ی او پیامی را به ایران بفرستد و پیام‌هایی از ایران دریافت کند. بعد از آن، علمای تهران حاج سید فضل الله خوانساری را پیشنهاد کردند که مورد پذیرش قرار گرفت و قرار شد ساواک وسایل سفر او را فراهم کند.
- رژیم پهلوی برای این‌که نماینده‌ی علما امام را در بورس ملاقات نکند، محل اقامت و ملاقات با امام را استانبول قرار داد و قرار شد که ملاقات با امام تحت مراقبت شدید مأمورین انجام شود. سید فضل الله خوانساری روز 29 آذر 1343 وارد استانبول شد و در «پارک هتل» اسکان یافت. فردای آن روز 30 آذر ماه به دیدار امام رفت که او را به استانبول آورده بودند.
- در چندین جلسه، بین آقای خوانساری و امام گفت‌وگو صورت گرفت و یکی از مأمورین ساواک که در جلسه‌ی ملاقات حضور داشت، گفت‌وگوها ثبت می‌کرد. آن‌چه در این گفت‌وگوها درخور توجه بود، زبان دیپلماسی و تاکتیک‌های سیاسی بود که امام به کار می‌برد. مثلاً، امام در گفت‌وگو به مأموران ترکیه اشاره و طوری صحبت می‌کرد که گویا مأمورین ترکیه با او کنار آمده و به تفاهم رسیده‌اند. حتی گفت‌وگوی امام در مورد رفتار خوب مأمورین ترکیه با عث نگرانی مقامات ایرانی شده بود.
- بعد از مدتی که رژیم، حاج مصطفی خمینی را به ترکیه تبعید کرد، و وی به ملاقات امام رفت، به وضع نامناسب امام پی‌برد. حاج مصطفی می‌گوید: آن‌گاه که به حضور امام رسیدم، از نظر غذایی، وضع او به حدی بود که اگر دیرتر می‌رسیدم، امام مریض می‌شد. هر خوراکی که برای او می‌آوردند، بدون آن‌که خم به ابرو بیاورد، می‌خورد و براساس ویژگی‌های اخلاقی‌اش، هرگز خوراک مورد علاقه‌ی خود را طلب نمی‌کرد. با توجه به شرایط سنی و تفاوت آب‌وهوا معلوم بوده که بر امام چه می‌گذشته است.
- در ملاقات بعدی، نمایندگان آقای گلپایگانی، یعنی آقایان شیخ محمد علی صفایی و سید مهدی گلپایگانی در تاریخ 22 خردادماه 1344 به استانبول عزیمت کردند. در زمان ملاقات، امام لباس روحانیون ترکیه را بر تن داشت و وضع ایشان طوری بود که آقای صفایی به گریه افتاد. قبل از تبعید امام به عراق نیز آقای حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی کرمانشاهی، یکی از روحانیون سرشناس کرمانشاه، برای ملاقات با امام به استانبول رفت.
- اقدامات مهم امام در ترکیه
- «روش‌های امام در مبارزه با رژیم در این دوران عبارت بودند از:

الف) نوشتن نامه به ایران: هدف امام از نوشتن نامه به ایران این بود که:

1. ارتباط خود را با داخل کشور حفظ کند و رهبری نهضت را ادامه دهد.
2. اوضاع تبعیدگاه را علی‌رغم فشار و محدودیت، خوب توصیف کند تا تزلزل در روحیه خانواده و مبارزان به وجود نیاید و آن‌ها برای آزادی ایشان به رژیم متوسل نشوند.

3. امام در نامه‌های خود خواستار کتاب‌هایی چون مکاسب می‌شد. قصد داشت با نوشتن حواشی بر کتب فقهی، احکام عبادی اسلام را در کنار مسائل سیاسی بیان کند و به ابعاد سیاسی اسلام بپردازد.

ب) نگارش کتاب تحریر الوسیله: امام خمینی دریافت که جامعه‌ی آرمانی طرح شده در «کشف الاسرار»، در چارچوب سازوکارهای متعارف (به تصویر صفحه مراجعه شود) دست نیافتنی نیست و نمی‌توان با مشی مسالمت آمیز، جامعه‌ای دینی عاری از استبداد و فساد را محقق ساخت. در عین حال، مبارزه بدون راهبرد روشن نتیجه‌ای جز به مخاطره افکندن بنیان و ثمره‌ی مبارزات در پی نخواهد داشت. امام در این کتاب به اسلام به عنوان دینی کاملاً سیاسی نگریست و هرگونه تفکیک میان دین و سیاست را مردود شمرد. این اقدام امام بهترین کاری بود که در این دوره‌ی 11 ماه انجام داد؛ چون ترکیه مرکز رواج جدایی دین از سیاست بود. امام وقتی به نجف آمد، کتاب را تکمیل و چاپ کرد. پس از آن، سایر علما به امام اقتدا کردند و در رساله‌ی خویش مسائل سیاسی را در کنار مسائل عبادی مطرح کردند [فلاحی: 1385: ص 120 سند شماره‌ی 826-827].

اهداف امام در نگارش کتاب تحریر الوسیله عبارت‌اند از: 1. مبارزه با تفکیک دین از سیاست؛ 2. اصلاح حوزه‌های علمیه و خارج کردن آن‌ها از رکود و سستی؛ 3. مطرح کردن اندیشه‌ی تشکیل یک حکومت دینی.

بنابراین، امام خمینی بهترین نمونه‌ی برنامه‌ریزی در دوران تبعید و زندانی است. در دوره‌ی تقریباً یک ساله‌ی تبعید به ترکیه کتاب تحریر الوسیله را نوشت و در دوران تبعید در عراق، طرح بنیادی ولایت فقیه و حکومت اسلامی را مطرح کرد [فلاحی، 1385: 115].

دلایل تغییر محل تبعید امام از ترکیه به عراق

در بعد داخلی، مخالفت‌های زیادی با تبعید امام شد؛ مانند ترور [اعدام انقلابی] حسنعلی منصور و سوء قصد به جان شاه. در سال 1344، اعضای حزب ملل اسلامی دستگیر شدند. این‌ها نشان می‌دهند که تبعید امام باعث تشدید مبارزات شد. در بعد خارجی نیز مخالفت‌های زیادی انجام گرفت. حتی نمایندگان علوی (نیروهای اسلامی) در مجلس ترکیه نیز به تبعید امام اعتراض کردند. در نتیجه‌ی این اقدامات، ترکیه و ایران تحت فشارهای داخلی و خارجی قرار گرفتند و دولت ترکیه متوجه شد، امام شخصیتی با نفوذ و مورد احترام در میان مردم ایران و خارج از کشور است. از طرف دیگر، دولت ترکیه نسبت به عواقب این اقدام خود بیمناک بود و هرگونه اتفاقی برای امام، عواقب و خیمی برای آن کشور ایجاد می‌کرد.

فعالیت و اقدامات نیروهای داخل و خارج کشور برای پایان دادن به این تبعید غیر قانونی، حتی به مجامع بین‌المللی کشیده شد و آن‌ها نسبت به این اوضاع حساس شدند. بنابراین، شخصیت‌های بین‌المللی و اتحادیه‌های دانشجویی خارج از کشور با ارسال نامه و تلگراف به سازمان‌های بین‌المللی، از جمله «سازمان حقوق بشر»، «سازمان عفو بین الملل» و شخص دبیر کل سازمان ملل، آقای اوتانت، به وضعیت نامطلوب حقوق زندانیان کشور و به ویژه تبعید امام اعتراض کردند. حتی دبیر کل سازمان ملل نامه‌ای برای دولت ایران نوشت و از آن درباره‌ی این اقدامات پاسخ قانع‌کننده خواست.

نامه‌ی دبیر کل سازمان ملل به وزارت خارجه‌ی ایران هرچند پی‌گیری نشد، ولی در نقشه‌ی رژیم در مورد امام و محل تبعید او تأثیر بسیاری داشت. حمید وحانی در کتاب «نهضت امام خمینی» معتقد است که انگیزه‌ی اصلی تغییر محل تبعید امام از طرف رژیم ایران همین نامه بود.

در داخل کشور ترکیه نیز مقالاتی انتقادی نسبت به اقدام دولت ترکیه منتشر شد و دولت لائیک ترکیه تحت فشار نیروهای اسلامی (علوی) این کشور قرار گرفت. سرانجام هم با ارسال پیامی به دولت ایران، خواستند که امام را از آن کشور منتقل کنند [فلاحی، 1385: 135 سند شماره‌ی 827 و 826].

آیت الله پسندیده می‌گوید: در نتیجه‌ی این عوامل، محمد رضا شاه با دکتر پیراسته مشورت می‌کند. دکتر پیراسته سفیر ایران در عراق بود. شاه از او می‌پرسد اعزام ایشان (امام) به نجف صلاح است یا خیر. دکتر پیراسته که فردی با فهم و فراست بود، به شاه می‌گوید: اگر امام به نجف برود، به دهن شیر خواهد افتاد. با وجود آقای حکیم، ایشان به اندازه‌ی یک طلبه بیشتر نمی‌تواند کاری بکند.

حمید انصاری می‌گوید: «تصور رژیم شاه از این که فضای ساکت و سیاست ستیز آن ایام در حوزه‌ی نجف و وضعیت رژیم حاکم بر بغداد، خود مانعی بزرگ برای محدود نمودن فعالیت‌های امام خمینی خواهد بود» [انصاری، 1386: 68].

بنابراین، دولت وانمود کرد که اوضاع داخلی آرام شده و زمینه برای اصلاحات آماده است و برای رهایی از فشار افکار عمومی و جلوگیری از شعله‌ور شدن مبارزات، امام را طی یک نقشه‌ی کاملاً حساب شده، روز 13 مهرماه 1344 به کشور عراق تبعید کرد.

درس‌های اخلاقی از دوران تبعید امام به ترکیه

1. در تمام اسناد و مدارک دوران حبس و تبعید امام، سترگی روحیه، بزرگ منشی و بی‌توجهی امام به رنج‌هایی که در مسیر نهضت و قیام الهی خویش متحمل شده، کاملاً هویدا است. در ادبیات امام کمترین گلایه‌ای از شرایط پدید آمده برای شخص خویش به چشم نمی‌خورد. بلکه برعکس، همواره بر خوبی اوضاع و رضایتمندی خویش از شرایط پدید آمده، تأکید می‌ورزد. در نامه‌ای، امام به فرزندش حاج مصطفی می‌نویسد: «از جهت من به هیچ‌وجه نگران نباشید. هم حالم خوب است و هم جایم.»

2. نکته‌ی مهم دیگری که ناشی از آرامش عمیق روحی امام است، شکرگزاری در همه حال و تکلیف‌گرایی و رضایتمندی نسبت به

تقدیر الهی است. مانند این نامه‌ی امام به حاج مصطفی که: «...از قم وارد آنکارا شدم. لله الشکر حالم خوب است. شماها نگران نباشید. آن‌چه از طرف خداوند تعالی مقدر شده، جمیل است.»

3. نکته‌ی اخلاقی آموزنده‌ی بسیار مهم دیگری که در نامه‌های ارسالی امام خمینی از تبعیدگاه ترکیه به چشم می‌خورد، روابط عالی اخلاقی و انسانی با ذوق الحقوق، فرزندان، همسر، برادران و سایر منسوبین است. امام خمینی خطاب به حاج مصطفی می‌نویسد: «نور چشم محترم... اگر شما رضایت من و خدای توانا را می‌خواهید، باید با تمام بستگان خصوصاً مادر، خصوصاً مادر، مهربانی و خوش رفتاری کنید و رضای آن‌ها را به دست بیاورید.»

4. نکته‌ی مهم در نامه‌های امام خمینی در دوران تبعید به ترکیه، اهتمام ایشان به استمرار فعالیت‌های علمی و فقهی است. جالب آن‌که شاهکار مکتب فقهی امام خمینی، یعنی کتاب «تحریر الوسیله» در همین دوران و در کنج غربت و تنهایی در تبعیدگاه ترکیه تألیف شده است» [سیر مبارزات...، 1386، ج 5: 102].

نتیجه‌گیری

دوران تبعید امام به ترکیه یکی از مراحل مهم انقلاب اسلامی بود. رژیم پهلوی بعد از آن‌که نتوانست جلوی مبارزات امام خمینی را بگیرد، باتوجه به تجربه‌ی قیام 15 خرداد تصمیم گرفت که امام را از ایران دور کند. حوادث این دوران نشان می‌دهد که رژیم پهلوی نه تنها به خواسته‌های خود نرسید، بلکه امام در این دوران یازده ماهه توانست به اقدامات مهمی، از جمله نوشتن کتاب التحریر الوسیله دست بزند. همچنین امام در این دوران روحیه‌ای بسیار عالی برای ادامه‌ی مبارزه از خود نشان داد. رژیم پهلوی بعد از آن‌که نتوانست نهضت ار در داخل سرکوب کند و روحیه‌ی امام را از بین ببرد، تصمیم گرفت که ایشان را به عراق تبعید کند.

منابع

- (1). آشوری، داریوش. دانش‌نامه‌ی سیاسی. انتشارات مروارید. تهران. چاپ ششم. 1380.
 - (2). فراتی، عبد الوهاب. تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی. مرکز اسناد انقلاب اسلامی. تهران. چاپ اول. 1379.
 - (3). پسندیده، خاطرات آیت الله پسندیده. مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی و نشر عروج. تهران. چاپ اول. 1384.
 - (4). رجبی، محمد حسن. زندگی‌نامه‌ی سیاسی امام خمینی. مرکز اسناد انقلاب اسلامی. تهران. چاپ دوم. 1378.
 - (5). سیر مبارزات امام خمینی در آینده‌ی اسناد به روایت ساواک. مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی. تهران. چاپ اول. 1386.
 - (6). فلاحی، اکبر. سال‌های تبعید امام خمینی. مرکز اسناد انقلاب اسلامی. تهران. چاپ اول. 1385.
 - (7). روحانی، سید حمید. نهضت امام خمینی (ج 2). نشر عروج. تهران. چاپ پنجم. 1381.
 - (8). انصاری، حمید. حدیث بیداری. مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی. تهران. چاپ سی‌ام. 1386.
 - (9). انصاری، حمید. «از امام بیاموزیم». فصل‌نامه‌ی حضور. شماره‌ی 58.
 - (10). طاهری خرم‌آبادی، خاطرات، ج 1، به کوشش رضا احمدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1377.
 - (11). امام خمینی، صحیفه‌ی نور، ج 1، تهران، مرکز مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، 1361.
- برگرفته از : مجله رشد آموزش تاریخ « تابستان 1388 - شماره 35 (از صفحه 45 تا 51)